



سید کاظم اکرمی
وزیر آموزش و پرورش

انجمن اولیاء و مربیان واقعا " از نهادهای بسیار خوبی است که به این سبک و به این شکل پس از انقلاب توسط شهید رجائی رحمه الله تعالی علیه - که بمناسبت هفته دولت بجاست از ایشان هم نام ببریم و همچنین شهید باهنر - پایه گذاری شد. و روز بروز هم بحمد الله پیشرفت بهتری دارد و امیدواریم که یک روزی برسد که ما بیش از آنچه که تاکنون به انجمن اختیار داده شده اختیار بدهیم و اصولا " یک مقدار عدم تمرکز در زمینه اداره آموزش و پرورش شهرها و مناطق را از طریق انجمن اولیاء و مربیان بهش برسیم .

یکی از مسائلی که اولیای دانش آموزان به آن کم توجه می کنند مسئله بهداشت روانی دانش آموزان است . غالبا " به مسئله اخلاق

انجمن اولیاء و مربیان و مسائل تعلیم و تربیت

آن توجه نمی شود . علتش هم این است که سلامت روان آدمی در ذهن غالب مردم وقتی بهم می خورد که یک حالت حاد پیدا بشود و الا بیماریهای مختصر روحی مورد توجه قرار نمی - گیرد . رفتارهایی که واقعا " جنبه " بیماری

و نظم و انضباط و درس بچه ها علاقه و توجه نشان می دهند ، اما این عنایت که بچه های آنها چه در دوره دبستان ، چه در دوره راهنمایی و چه در مقطع دبیرستان از سلامت نسبتا " کامل روانی برخوردار هستند یا نیستند خیلی به



امیدواریم که انشاءالله انجمن در این زمینه که کارهایی کرده در آن مجلات مفصل پیوند، در این مجله‌ای هم که قرار شده است به زبان ساده و صفحات خیلی مختصر نوشته بشود به این مسئله توجه بیش از پیش بشود.

میزان و معیار سلامت روانی چیست؟ خوب از مباحث متنازع فیه است، در روانشناسی و همچنین روان پزشکی، بعضی از محققان علوم اسلامی و مطلعان بر مسائل روانشناسی تعبیر کرده‌اند که میزان سلامت روانی این است که آدمی در مسیر فطرت گام بردارد و رشد بکند و لطفاً "ورق بزنید"

شدید داشته باشد توجه‌ها را بخودش جلب می‌کند، اما غیر از آن کمتر مورد بررسی و پیشگیری قرار می‌گیرد و شاید بسیاری از مردم اصلاً نمی‌دانند سلامت روانی برای کودکان و نوجوان و جوان هم مطرح است. چون در تصورها این است که بچه از نظر جسمی سالمتر از بزرگترهاست و کمتر دچار بیماری می‌شود از لحاظ روحی هیچ دلیلی ندارد که مثلاً "یک کودک دبستانی، یک نوجوان دوره راهنمایی یک جوان دبیرستانی بیمار باشد و حال آنکه امروز در تعلیم و تربیت بحث سلامت روانی دانش‌آموزان جایگاه ویژه خودش را دارد و



بله اگر یک موقعی بجهای بیش از اندازه گوشه گیر باشد توجه اولیاء را جلب می کند اما اگر یک بجهای ضمن اینکه جست و خیز هم دارد یک مشکلات روحی ، عاطفی داشته باشد، این ممکن است که توجه پدر و مادرش را برنیا نگیزد . بنابراین انشاء الله در این مجله این مسائل مربوط به بهداشت روحی و گرفتاریهای روحی و عاطفی دانش آموزان به زبانی بسیار ساده که پدرها و مادرهایی هم که ۵ کلاس درس خوانده اند بتوانند بفهمند ، گفته بشود و نوشته بشود تا انشا الله آنها پیش از پیش به مسئله بهداشت روحی دانش آموزان عنایت کنند .

نکته دیگری که ما بایستی در این زمینه نظر اولیاء را به آن جلب بکنیم دقت کردن و کنجکاوی در حالات بچه هایشان است . چون غالب ما تربیتمان به نوعی بوده است که سطحی نگرهستیم و تدبر و تحقیق کمتری کنیم در مورد بچه ها هم همینطور است که دقت در

همه نیروهایش را بتواند در اختیار داشته باشد . البته مؤلفان کتابهای غربی غالباً " معیار سلامت روانی را عرف و نورم اجتماعی گرفته اند که متناسب با هرجا مع آنها رعایت بشود و یک دانش آموز ، یک جوان ، یک فرد بزرگسال ، براساس آنها حرکت بکنند سالم است اگر از آنها منحرف شده و به افراط و تفریط بگراید ، او آدمی است ناسالم .

اما ماهمان تعریف اول را که در کشور خودمان اهل تحقیق و آشنایان به علوم اسلامی کرده اند میزان قرار می دهیم و می گوئیم که یک جوان سالم ، یک نوجوان سالم و یک فرد سالم از نظر روحی کسی است که در مسیر فطرت گام بزند و آن دستوراتی را که خدای تبارک و تعالی در زمینه های مختلف به او داده ، آن را انجام بدهد . و دارای یک انرژی روانی بسیار باشد و بتواند در حد بیشترش کارهایی را که خیلی ها نمی توانند انجام بدهند ، انجام بدهد . خیلی از چیزهایی را که بعضی ها نمی بینند ببینند نمی شنوند بشنود ، یک آدم عارف و مخلص و متقی که قرآن کریم و اسلام عزیز خواسته بشود .

بنابراین در این مسیر آنچه که مانع کار بشود از عوامل عمده ایجاد بیماری روانی است . ترسها ، عقده ها ، کمبودهای عواطف و ناراحتیهای بسیاری که در نهادخانه وجود دانش آموزان هست و خیلی وقتها هم تجلی ندارد ، تظاهری ندارد در رفتارشان ، از موانع عمده پیشرفت کارهای (درسهای) آنهاست . اما به علت اینکه پدرها و مادرها در این زمینه ها اطلاعی ندارند تشخیص هم نمی دهند .

برای یک عمر از یک کودک معمولی یک دانشمند
یک محقق ، یک مخترع ، یک مبتکر یک آدم
مصلح و ارزشمند اجتماعی می‌سازد .

این نکته را هم از شهید بهشتی بمناسبتی
که صحبت کلاس اول شد یاد کنم که آن بزرگ
فرموده‌است که : " کلید انقلاب به دست معلم
کلاس اول است . " حالا اگر پدرها و مادرها در
رفتار فرزندانشان دقت کنند ، خصوصیات
روحی آنها را بنویسند ، اگر به نظرشان عیبی
و بیماری ای ملاحظه شود اینها را در اختیار معلم
بگذارند ، به مناسبت علاقه و توجهی که
دانش آموز به معلم دارد شاید همان معلم
معمولی هم بتواند در حل مشکلات این دانش -
آموز کمک کند و او را در مسیر درس خواندن
و تربیت بیش از پیش یاری بدهد .

از جمله مطالبی که در بهداشت روانی
دانش آموزان ما بایستی به اولیاء دانش آموزان

خصوصیات روحی‌شان نداریم . درحالی که اگر
اولیاء درباره یکایک فرزندانشان دقت بکنند
توجه بکنند شاید در حد عقل خودشان و سواد
خودشان نکاتی را کشف بکنند که مفید باشد به
حال اینها . حتی اگر ما به اولیاء یاد بدهیم که
سوابق بیماریهای جسمی بچه‌هایشان را ثبت
بکنند ، ضبط بکنند ، نگه بدارند ، اینها در
بزرگسالی هم می‌تواند مفید باشد برای
پزشکانی که مواجه می‌شوند با یک فرد بیمار .
ممکن است یک حادثه کوچک در سالهای اولیه
کودکی یک فرد عامل عمده بسیاری از
بیماریهایش در بزرگسالی بشود . اما چون ماها
به این چیزها عادت نکرده‌ایم که ثبت بکنیم
ضبط بکنیم اینها را نگه داریم ، در بزرگسالی
از آنها استفاده نمی‌شود و بسیاری از مواقع
پزشکان ، مخصوصا " اگر شخص دچار بیماریهای
روانی بشود با مشکل بسیار زیادی در تشخیص
مواجه هستند . اگر ما بیاموزیم که حفظ بکنیم
بسیار خوب است .

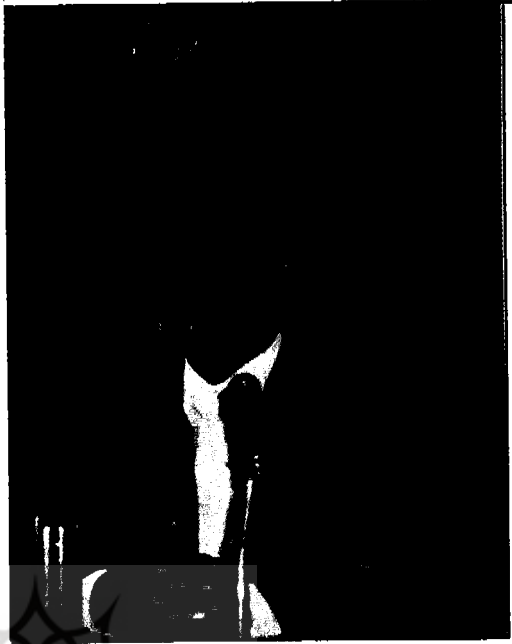
حالا دقت کردن و احیانا " یاد داشت کردن
خصوصیات کودکان هم باز می‌تواند مفید باشد
خوشا بحال آن پدر و مادری که سال اول
ابتدائی که بچه شان را به مدرسه می‌برند یک
صفحه در باب رفتارشان ، روحیاتش ، اخلاقش
خصوصیاتش چیزی بنویسند و به مدیر مدرسه و
به معلم او تحویل بدهند . که این کسی که ما به
توسپردیم این است خصوصیاتش . زیرا اگر معلم
سال اول مطلع بر خصوصیات روانی دانش آموزان
نباشد ای بسا یک کلمه در همان روزهای اول
می‌گوید که متناسب با زمینه روحی دانش آموز
نیست او را از درس و کلاس و مدرسه و علسم
برای همیشه متنفر می‌کند . و برعکش هم
ممکن است . اگر دقیق این معلم برخورد کند



انسانی و مطالعات فرهنگی
مع علوم انسانی

و اختلاف منجر بشود که پدر و مادر بگویند،
 نخیر این جور که تو می گویی نیست و ما این جور
 آموخته ایم و آدم در کار خودش مؤثر نیست و هر
 چه سرنوشتش هست همان می شود و همین سبب
 ناراحتی روحی در یک دانش آموز دبستانی
 راهنمایی و دبیرستانی می شود که آنچه که
 آموخته است درست است یا آنچه که پدر و
 مادرش می آموزند صحیح است ؟

در خانواده هایی که هنوز هماهنگ و همراه
 انقلاب نیستند تعارض بسیار زیاد هست و
 انشاء الله باز ما در این مجلات و در این آموزشها
 اشاره بکنیم تا خانواده هایی که علاقمند به
 سرنوشت بچه هایشان و به سلامت روانی
 بچه هایشان هستند، عنایت کنند، توجه کنند
 تا انشاء الله بچه ها کمتر گرفتار بشوند.



و نکته چهارم در این زمینه همکاری هرچه
 بیشتر انجمن اولیاء و مربیان با هسته های مشاوره
 در استانهاست. البته ما هنوز موفق نشده ایم که
 در شهرستانها هسته مشاوره تشکیل بدهیم به
 مناسبت مسائل اداری و مالی اش. ولی در مراکز
 استانها هسته مشاوره داریم و بحمدالله هم
 گزارش مرتب می رسد و من بمناسبت رشته
 خودم و هم به مناسبت علاقه ای که به این کار
 معلمی و حل مشکلات دانش آموزان دارم این
 گزارشات را بدقت می خوانم و امیدوار هستم که
 تمام برادران مسئول و کارشناس انجمن اولیاء و
 مربیان هر هفته یک جلسه ای یک ساعت
 دو ساعت با هسته مشاوره در مراکز استانها
 داشته باشند و چقدر خوب است که ماهی یکبار
 همه برادران انجمن اولیاء و مربیان یک استان
 با هسته مشاوره استان جلسه داشته باشند و
 تبادل اطلاعات بکنند، آنها چون غالباً فوق
 لیسانس و لیسانس روانشناسی علوم

پیاموزیم، مسئله تعارضهاست. که به انواع
 مختلفش خانواده ها گرفتار هستند. خیلی از
 ارزشها در مدرسه تعلیم داده می شود که در
 خانه آن ارزشها مطرح نیست. البته وقتی ما
 می گوئیم تعارضها، غالباً به نظر می آید که
 خانواده های غرب زده و طاغوتی امروز دچار
 تعارض هستند، در حالیکه همه اش این طور
 نیست. بعضی از خانواده های متدین هم که
 همراه انقلاب هستند گاهی بین آنچه که در خانه
 می آموزند و آنچه که در مدرسه به فرزندان آنها
 آموخته می شود تعارض حاصل می شود. ای بسا
 پدر و مادری یک مقدار جبری مسلک باشند
 چیزی که می شود مثل زد، معتقد باشند که آدم
 اختیاری از خودش ندارد در مدرسه در تعلیمات
 دینی، در کتابهای دیگر آموخته می شود که نه
 آدمی هم مختار است و هم مسئول. اگر دانش -
 آموز این را ببرد و گاهی اوقات در
 کردهائی های خانوادگی صحبت بکند به دعوا

و هزینه شدن هم در راه صحیح بانظارت شما عزیزان است . امیدوار هستیم با نظارت شما هیچ مدیر مدرسه ای اجباراً از مردم پول نگیرد که متأسفانه بازهم گاه و بیگاه شنیده می شود در تهران ، گاهی هم در شهرستانها شنیده می شود که میگیرند و امیدواریم به لطف خدا برای سال بعد چاره اساسی درحل آن مشکل بشود .

وبنده همین جا هم عرض می کنم همه رؤسای مناطق تهران و همه مدیران کل در سراسر کشور که هر مدیری باعث نارضایتی مردم بشود تحت تعقیب قانونی قرار بگیرد و این مسئله ایست که جناب نخست وزیراز بنده خواسته اند . من پارسال مدیران تهران را جمع کردم خواهش کردم و گفتم که آقا مردم کمک می کنند با اختیار و آزادی از مردم کمک

تربیتی هستند می توانند چیزهایی به برادرانی که دراین رشته ها کار نکرده اند بیاموزند شما هم مشکلات را منتقل می کنید و طبعاً به حل مشکلات روحی دانش آموزان منجر می شود بهداشت روانی بالاتر می رود و مخصوصاً خانوادههایی که مشکل دارند امیدوار هستیم که از این رهگذر مشکلاتشان کمتر بشود .

من خیلی کلی گفتم و بعضی از مسائل جزئی بهداشت روانی و نکات مختلفش مورد توجهم نبود که بخواهم آنها را گفته باشم فقط این ارتباط را خواستم بیشتر شود و این توجه را اولیاء به مسائل بهداشت روانی فرزندانشان بکنند .

نکته پنجم همکاری مؤثر انجمن اولیاء و مربیان باستادهای امور تربیتی هست همکاری مؤثر شما با آنها درحل مشکلات و نابسامانیهای اخلاقی و روانی و رفتاری بسیار می تواند مؤثر باشد و اصولاً آقای صدری بایستی با آقای زرهانی هماهنگی کنند و یکی از معیارهای ستاد تربیتی نمونه و موفق همکاری بیشتر آن ستاد با انجمن باشد . هر ستادی موفق هست که بیشتر با انجمن اولیاء و مربیان همکاری کند ، البته ضمن توجه به معیارهای دیگر .

نکته ای که بایستی برادران به آن عنایت کنند و حتماً " دراین چندروزه جناب آقای صدری این را بخواهند این است که آقایانی که مسئول هستند صورت حساب پولهایی را که سال قبل مدارس گرفته اند و هزینه کرده اند به ما بدهند و این یکی از معیارهای موفقیت برادران انجمن اولیاء و مربیان ، مسئولان و کارشناسان دراستانها است . مردم یکی از ایرادهایی که می گیرند این است می گویند که ما حاضریم پول بدهیم کمک بکنیم اما می خواهیم بدانیم این پولها چگونه صرف می شود؟ صرف شدن





امام هم مشغول است که با پیدا کردن آیات و روایاتی که مستند حضرت امام بوده و در متن نیاورده‌اند آنرا منظم، آماده چاپ و بعد منتشر کنند و انشاءالله به زبانهای مختلف عالم در سطح همه جهان و کشورهای اسلامی منتشر شود. در این منشور خیلی از مطالب آمده است. و امام مشخص کرده و مرتب کرده‌اند. تمام آنچه که می‌فرمودند از جمله اینهاست که بایستی برادران در مدارس به آن توجه کنند این است که امام می‌فرمایند: حتماً کسانی مسئولیت پیدا کنند که از مردم انقلابی باشند. از پاره‌ها باشند، از محرومین باشند، از مستضعفین باشند، از جبهه رفته‌ها باشند. نه اینکه خدای ناکرده در مدرسه ای‌انجمن اولیاء و مربیان مخصوصاً اگر متمکن هستند پول بدهند و مدیرانقلابی را هم از موضع انقلابی اش به‌موضع سازشکارانه و مصالحه و محافظه کاری بکشانند. این یکی از دردهاست. در تهران و در بعضی از شهرستانها انجمنهایی که تشکیل می‌شود به‌خاطر عدم توجه مسئولان و عزیزانی که در سطح اداره مسئولند بافتش به نوعی است که بافت افراد مرفه است و بی‌درد. به تعبیر حضرت امام "قاعدین" اینها می‌آیند می‌شوند مسئول انجمن بعد به طرق مختلف کارهایی برای رئیس مدرسه می‌کنند و یا برای معلمین و در نتیجه به جای اینکه مدیر مدرسه خط دهنده باشد به انجمن اولیاء و مربیان مدرسه، اینها می‌شوند خط دهنده به مدیر. و این یکی از نکات واقعاً ناسف آور و دردآور ماست در مورد کارهایی که در مدرسه می‌گذرد. همه برادرانی که شرکت کرده‌اید بایستی مجدداً "عنایت کنید از اول سال به اینکه هیچ انجمنی در مدرسه تشکیل نشود مگر از افراد

بگیرند، کسی نمی‌خواهد بدهد، ندهد، هیچ اجباری نیست این کمک است و اختیاری است. امیدواریم که انشاءالله این عده از مدیران ماکه خیلی هم اندکند و اسباب ناراحتی می‌شوند و کار خوب آن افراد موفق راهم خراب می‌کنند عنایت کنند که در جمهوری اسلامی بیشترین هم مسئولین کسب رضای عامه مردم هست.

نکته بعدی توجه بسیار دقیق هست به فرمایشات اخیر امام امت. آنچه را که حضرت امام خطاب به حجاج بیت الله الحرام فرمودند به تعبیر دولت "منشور انقلاب" نام گرفته. بسیاری از مطالبی را که از اول انقلاب امام عزیز و بزرگوار مان فرموده بودند در این نوشته ای که به خط مبارکشان ۱۲۰ صفحه است و اخیراً وزارت ارشاد چاپ کرده و دفتر خود حضرت



نکنه دیگری هم عرض بکنم که مدیرانی راما موفق می دانیم در مناطق ، درشهرها درنواحی و استانها که این کلاسهای آموزش خانواده را به جد بگیرند . هرچه می توانند توسعه بدهند جناب آقای صدری می توانند بعنوان یک میزان در مورد موفقیت رؤء سا بمن گزارش بدهند که فلان مدیر را تشویق کن که کلاسهای آموزش خانواده را به جد گرفته و توسعه داده . هرچه ساروی اولیاء کارکنیم باز کم کار کرده ایم .

یک حدیث هم از امیرالمومنین علی (ع) می خوانم و چون ذکری شد از آیه شریفه که خدا به ما زنان و فرزندان بدهد که نور چشم ما باشند ، امیرالمومنین علی (ع) فرمودند که من از پروردگارم فرزندی که دارای صورت زیبا و قشنگ باشد طلب نمی کنم و فرزندی که خوش قد و قامت باشد هم طلب نمی کنم بلکه از خدایم مسئلت می کنم فرزندان که مطیع حضرت حق باشند فرزندان که مطیعین لله باشند و از خدا بترسند تا اینکه هرگاه به آنها نظر می کنم و آنها را مطیع خدا می بینم چشمانم روشن شود بمن عطا کند . انشاء الله تلاش کنیم همه مردم ما عنایت کنند به این حدیث شریف و بچه هایی بخواهند خداوند به آنها بدهد که مطیع خدای تبارک و تعالی باشند .

معتقد به انقلاب . البته به صرف اینکه یک آدمی تمکن دارد نمی گوئیم او را کنسار بگذارید چون ما آدمی هم داریم که متمکن هست اما علاقه مند به انقلاب است . از تمکنش در راه انقلاب صرف کرده نه اینکه چپیزی بدست آورده است . همانجور که حضرت خدیجه سلام الله علیها هرچه داشت نثار اسلام کرد و همه را در اختیار پیغمبر گذاشت و با همه آن ثروتهایش در آخر دیدید که هیچ نداشت و از دنیا برفت . خوب کسانی هستند که تمکن دارند ثروت دارند در راه انقلاب صرف کرده اند و می کنند . در استفاده کردن از خدمت آنها مانعی به نظر نمی رسد . گاهی از اوقات درشورای عالی انقلاب فرهنگی بحث اسلامی کردن دانشگاهها به میان می آید . بنده خدمت جناب آقای رئیس جمهور و همه سروران عزیز عرض کرده ام دانشگاه دیراست اگر می خواهید جوانان انقلاب اسلامی در دانشگاهها بالا و بالا بروند مدارس را دریا بید ، از پایه درست کنید . حالا یکی از راههای از پایه درست شدن این است که انجمن اولیاء و مربیان مدرسه طرفدار مواضع انقلاب باشد ، طرفدار معیارهای انقلاب باشد ، اگر مدیر ما خواست در بعضی مسائل انقلاب کوتاه بیاید یقه اش را بگیرند . بهمانامه بنویسید که این مدیر در مورد فلان مسئله مهم انقلاب غمض عین کرد .

حتما " کسانی مسئولیت پیدا کنند که از مردم انقلابی باشند .

از پابرهنه ها باشند از محرومین باشند ، از جبهه رفته ها باشند .